

بسم الله الرحمن الرحيم

تحقیق در س ممدویت

کتاب: بصیرت و انتظار فرج (اصغر طاهرزاده)

استاد: جناب برزویی

پدیدآورنده: محمدنادی هاشمی فرید

کد دانشجویی: ۹۲۳۱۲۴۷

ارویبشت ۹۴

۱. انتظار ظهور حاکمیت عالیتترین شخصیت هستی، نشانه بلوغ بشریت است .
۲. لازمه انتظار حقیقی، معرفت خاص است و اگر با معرفتی خاص همراه باشد دارای برکات فوق العاده ای است.
۳. ما بیش از آنکه به آگاهی از "حوادث ظهور" نیازمند باشیم به معرفت نسبت "قواعد ظهور" محتاجیم تا معلوم شود انتظار فرج شرایط تحقق ظهور است.
۴. در این کتاب روشن میشود که علت تحقق انقلاب اسلامی، فرهنگ انتظار بوده.
۵. نویسنده روشن نموده چگونه بدون ولایت الهی و حاکمیت اولیای الهی همشه با یاس و شکاکیت و از خود بیگانگی همراه بوده است.

### جلسه اول برکات انتظار :

بسم الله الرحمن الرحيم

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامِّ الشَّامِلِ الْعَامِّ وَ صَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ  
وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَ وَليِّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ  
وَ خَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْفِهِ وَ عِبَادِهِ سُلَالَةِ النَّبَوَّةِ وَ بَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ  
وَ الصَّفْوَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ مُطَهِّرِ الْإِيمَانِ وَ مُعَلِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ  
مُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَ الْعَرْضِ  
الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ وَ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> (۱) - مفاتيح الجنان، استغاثه به حضرت قائم (عج).

بحث خود را با این روایت شروع میکنم که رسول خدا میفرماید: «أفضل العباده انتظار الفرج». معلوم است که فرج باید مسئله مهمی باشد که چنین نتایجی برایش وجود دارد و حکایت از آن دارد که در حقیقت انتظار فرج یک فرهنگ است و نه یک عمل خاص.

زیباترین اعتقاد، اعتقاد به این نکته مهم است که بدانیم مقصد و مقصود همه انبیا و اولیای الهی ظهور وجود مقدس امام زمان است. در این رابطه حضرت صادق (ع) میفرماید «لو ادرکتہ لخدمته ایام حیاتی» اگر او را درک کنم همه عمر در خدمتش خواهم بود. زیبایی انتظار به قدری است که امام حسین نقل میکند: مردی نزد پدرم آمد و از اوصاف مهدی پرسید حضرت امیر المومنین وقتی صفات او را ذکر کردند با حالتی سرشار از عشق و شیدایی به سینه خود اشاره کردند و فرمودند مشتاق دیدار او هستم. اینها نشان میدهد افق همه انبیا و اولیا شرایطی است که وجود مقدس امام زمان ظهور کنند. عالیترین حالت روحی که در فرهنگ انتظار فرج برای جامعه پدید می آید فرهنگ گذار از وضع موجود و نظر به وضع مطلوب است.

اولین حجاب حقیقت آن بود که در صدر اسلام افکاری به صحنه آمد که حقیقت اسلام را که رجوع به انسان معصوم بود به حجاب برد. با رحلت پیامبر چهره حقیقی اسلام به حاشیه رفت. موانعی پیش آمد که نگذاشت اسلام حقیقی خود را بنمایاند. البته اگر جامعه اسلامی با مدیریت ائمه اداره میشد معنایش این نبود که بشر دوران انتظاری نمیداشت بلکه بنا به فرمایش مقام رهبری «بشر نیاز به یک دوره انتظار داشت تا بتواند آن جامعه ارمانی را بخواهد تحقق ببخشد.» وقتی اهل بیت از مدیریت جامعه حذف شدند اسلامی به صحنه آمد که نمیتوانست ابعاد الهی انسان هارا قانع کند. وقتی نور اهل بیت در حجاب رود چیزهایی جایگزین اسلام میشود که حقیقتا اسلام نیست و این اولین حجاب بزرگی بود که اسلام حقیقی را پوشانید.

پیچیدگی حجابی که در آخر الزمان به صحنه میاید به گونه ای میباشد که ظاهری نجات بخش دارد ولی در باطن ظلمت استدر همین رابطه فرموده اند دجال بسیار جذاب به میدان میاید نه مثل چنگیز خان مغول. اینکه فرموده اند دجال یک چشم دارد حاکی از یک بعدی بودن شخصیت اوست که نمیتواند به ساحات قدسی عالم و ادم نظر کند. با دقت به این مسائل است که روشن میشود ظلمت های آخر الزمانی سیاهترین و ظلمانی ترین حجاب هاست. اولین طلیعه برکت انتظار فرج وقتی شروع میشود که انسان منتظر بتواند بفهمد چه نوع ظلمتی جلوی ظهور نورانی امام را گرفته و موجب شده امام همچنان در غیبت باقی بماند.

اولین برکت از برکات انتظار فرج این می‌باشد که هر که در فرهنگ انتظار به سر میبرد ظلمات زمانه بر او حاکم نمی‌شود. چنین انسانی می‌تواند خود آگاهی لازم را به مردم زمانه خود بدهد تا بفهمند چگونه گرفتار ظلمت زمانه نشوند.

در شرایطی عالم به بلوغ خود می‌رسد که از یک جهت حقیقت امام معصومی حاکم بر امور است که مقام او مقام «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ» است و تمام مخلوقات هستی در قبضه‌ی او است، از جهت دیگر نظام تشریح و امور سیاسی، تربیتی و اقتصادی با مدیریت او به جلو می‌رود و در نتیجه نظام تکوین با نظام تشریح متحد می‌گردد و از این طریق توانایی‌ها و استعداد های عالم به نحو کامل در اختیار بشریت قرار گیرد. در نظر بگیریید وقتی نیروهای تکوینی موجود در طبیعت، در مسیر رفع حوائج بشر قرار گیرد چگونه وعده‌ی خداوند محقق می‌شود که می‌فرماید: «وَلَأَرْقِيَنَّ فِي الْأَسْبَابِ» همه‌ی اسباب را رام او نمایم و همه‌چیز را فرمانبردار او می‌کنم. این همه نظم به جهت حضور روح است، آن وقت عنایت داشته باشید حضرت صاحب الزمان (عج) از نظر تکوین، روح این عالم‌اند و تمام این عالم با تمام مناسباتش بر اساس مدیریت تکوینی حضرت اداره می‌شود، حال اگر حضرت مدیریت تشریحی عالم را هم به عهده بگیرند، همه چیز در اوج شکوفایی خود قرار می‌گیرد.

همیشه وقتی ملاحظه کردید جریان غیر حقی در حال پیش روی است و به ظاهر گسترش آن شروع شد، بدانید زمان سقوطش فرا رسیده و منتظر سقوطش باشید. این درست برعکس جریان حق است که باید به مرور بستر تحقق خود را آماده کند و موانع را یکی بعد از دیگری به صورت منطقی و همه جانبه پشت سر بگذارد، ولی وقتی شرایط ظهورش فرا رسید وعده‌ی خداوند تحقق می‌یابد که فرمود: «لَأَدِيمَنَّ مُلْكَهُ» حتماً حاکمیت مهدی را دائمی می‌گردانم. وقتی حق به معنی واقعی آن حاکم شد، این حق باقی می‌ماند چون خداوند وعده داد «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۲</sup> عاقبت از آن متقین است و امام باقر (ع) در این رابطه فرمودند: «لَيْسَ بَعْدَ مُلْكِنَا مُلْكٌ»<sup>۳</sup> بعد از حاکمیت ما حاکمیتی نیست. از آن جایی که انقلاب اسلامی ایران، نقطه‌ی شروع انقلاب حضرت مهدی (عج) است باید با همان روش حضرت بقیه‌الله (عج) با فرهنگ استکباری روبه‌رو شود که عبارت باشد از نفی فرهنگ کفر و نه مدارا با آن. چون بنا به فرمایش حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» باید به ایجاد حکومت جهانی اسلام فکر کنیم و این با مدارا با فرهنگ کفر ممکن نیست.

<sup>۲</sup> (۱) - سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۲۸.  
<sup>۳</sup> (۲) - بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۶۴.

می‌فرمایند: «باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره‌ی هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند»

ما قبل از انقلاب اسلامی می‌خواستیم منتظر بمانیم تا امام زمان (عج) تشریف بیاورند و فکر می‌کردیم حدّ مسلمانی همان قدر است. امام خمینی «رضوان الله علیه» آمدند و روشن فرمودند باید به کلی فرهنگ استکباری را نفی کرده و در راستای چنین تقابلی از شهیدشدن هراسی به خود راه ندهیم تا در اردوگاه حضرت صاحب الامر (عج) قرار بگیریم.

غفلت از مقابله با جهان استکباری اولاً: خطری بزرگ پیش می‌آورد و جهت روحی و تربیتی جامعه را از حماسی بودن به خوشگذرانی و رفاه‌طلبی تغییر می‌دهد. ثانیاً: خیانتی عظیم است، چون به هدف اصلی انقلاب اسلامی پشت شده است. توجه دارید که این حرف‌ها حرف یک جوان احساساتی نیست و به همین جهت باید حقیقتی پشت این حرف‌ها باشد.

معلوم است که ملت ایران به عنوان منتظران حضرت مهدی (عج) برای طلوع نور باید کار بزرگی انجام دهند و اگر کوتاه بیاییم نه تنها مشکلات همچنان پای بر جا می‌ماند بلکه خیانت کرده‌ایم.

امام خمینی «رضوان الله علیه» روشن می‌کنند که برای نازک کردن پرده‌ی غیبت باید جانانه به صحنه آمد چون اولاً: انقلابی به صحنه آمده که سبک و سیاقش رجوع به حضرت ولی عصر (عج) است. ثانیاً: باید به فکر حکومت جهانی باشیم و در این راه بدانیم که:

«شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی‌شهادت میسر نیست».

و این است معنی انتظاری که تقدیر شیعه را تا اوج کمال رقم می‌زند.

با تقویت فرهنگ انتظار نه تنها انقلاب اسلامی از غرب‌زدگی داخلی آزاد می‌شود بلکه روحیه‌ی عبور از غرب در سراسر جهان طنین می‌اندازد، به شرطی که راه امام خمینی «رضوان الله علیه» که همان معنی واقعی انتظار است گشوده بماند، در آن صورت است که ملت ما از جنگ نرمی که دشمن ایجاد کرده به خوبی می‌گذرد و دشمن را به صورتی فوق‌العاده‌ی مأیوس می‌کند.

فکر کردیم اگر در مقابل غرب کوتاه بیاییم آن‌ها از ادعاهایشان نسبت به انقلاب اسلامی دست برمی‌دارند در حالی که درست آن موقعی که دولت مردان می‌خواستند به بهانه‌ی عدم تشنج با جهان، به غرب روی خوش نشان دهند آن‌ها گفتند ایران محور شرارت است و حضرت امام «رضوان الله علیه» این مطلب را خوب فهمیده بودند که اگر یک قدم از مواضع حق خود کوتاه بیاییم آن‌ها چند قدم در مواضع ناحق خود جلو می‌آیند و به تعبیر حضرت ایشان:

«تا شما را از هویت اسلامی‌تان - به خیال خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست».<sup>۴</sup>

در چنین فضایی است که می‌توان به غرب پشت کرد و پرده‌های ظلمانی آن را شکافت تا رابطه‌ی ما با امام زمانمان (عج) زلال شود و همراه حضرت روح الله «رضوان الله علیه» بگوئیم «بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه‌ی اسلامی خود عمل می‌کنیم». حضرت روح الله «رضوان الله علیه» به ما پیام می‌دهند که امروز خدا ما را مسئول کرده است که راه ظهور حضرت را بگشائیم همان‌طور که به عهده‌ی امام زمان (عج) گذاشته تا در اولین فرصت که زمینه آماده شد ظهور نمایند.

در حال حاضر جز راه امام خمینی «رضوان الله علیه» برای منتظرماندن در اردوگاه منتظران مهدی (عج) راهی در میان نیست. و تا راه امام خمینی «رضوان الله علیه» درست فهمیده نشود و در آن پرورش نیابیم هیچ ورودی در فرهنگ انتظار نداشته‌ایم.

انقلاب اسلامی در بعضی زمان‌ها از بعضی جهات در اغماء فرو رفت چون گرفتار مذهبی‌هایی شد که روح مدرنیته را که روح تقابل با مهدی (عج) است، نفهمیدند. اینان در عین علاقمندی به انقلاب اسلامی، به جهت اصالت دادن به نگاه غربی به عالم، انقلاب را در اغماء بردند و از این قاعده غفلت کردند که «شکستن فرهنگ شرق و غرب بی‌شهادت میسر نیست».

حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» با شناخت روح غربی روشن فرمود: روح تشیع، روحی است که هیچ‌سختی با فرهنگ غرب ندارد و به همین جهت نظرها را به شرایط حاکمیت امام معصوم (ع) انداخت و خود ایشان با ورود به عالم انتظار منور به نوری شدند که می‌توانستند به خوبی حق را از باطل تمیز دهند.

## جلسه‌ی دوم: برکات انتظار

<sup>۴</sup> (۱) - صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۳۲۸ ..

طبق روایت در متن مکتب تشیع انتظار فرجی خاص مطرح است و امامان شیعه بر آن تأکید دارند. و به قدری آن انتظار مهم است که از نوع خود فرج است و باید با روش و سلوک و فرهنگ خاصی بدان دست یافت. در آن حالت است که در زمان غیبت ولی عصر (عج) به بهترین اعمال دست یافته ایم، اعمالی که رسول خدا (ص) در وصف آن فرموده‌اند: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»<sup>۶</sup> بهترین اعمال انتظار فرج است.

پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد عقیده به انتظار فرج یک عقیده‌ی واقع‌بینانه و منطقی است. توجه حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌علیه» به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی به حضرت مهدی (عج) تا حدی بود که وقتی نام حضرت را می‌بردند عرضه می‌داشتند: «رُوحِي لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ»<sup>۷</sup> جانم فدای خاک پایش باد و با چنین توجه و عقیده‌ای به میدان آمدند و پیروز شدند.

با توجه به مطالبی که عرض شد می‌توان گفت: هر اندازه که مسلمانان در مسیر شریعت محمدی (ص) به حق بنگرند و منتظر فرج باشند به همان اندازه زمینه‌ی ظهور و فرج نهایی را فراهم کرده و در این مسیر به نحوه‌ای از فرج - هرچند ضعیف - دست می‌یابند و هر اندازه حجاب حاکمیت‌های غیر الهی را عقب بزنند، ظهور نهایی امام (عج) را برای خود راحت‌تر ساخته‌اند. باید فرج و نجات را فقط در ظهور امام زمان (عج) جستجو کرد و خود را منتظر چنین ظهوری نمود تا در هر حال مسیر سعادت خود را مسدود نکرده باشیم. به تعبیر بسیار مهم حضرت صادق (ع) در زمان غیبت

«مَنْ مَاتَ مُتَّظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسْطَاطِهِ لِأَبْلِ كَانَ كَالضَّارِبِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ»<sup>۶</sup>

هرکس بمیرد در حالی که منتظر ظهور حضرت صاحب‌الأمر باشد، مثل کسی است که در خیمه‌ی آن حضرت با قائم به سر برد، بلکه مثل کسی است که در کنار رسول خدا (ص) با دشمنان آن حضرت مبارزه کند.

امام زمان (عج) حامل حقیقی‌ترین حقایق عالم معنا هستند و بر آن اساس در زمین تصرف می‌کنند و منشأ تحولی فوق‌العاده می‌گردند، چیزی که تا اندازه‌ای در حرکات حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌علیه» مشاهده کردید که چگونه بنیاد حرکت خود در جهان را بر مبنای حقایق عالم ملکوت تنظیم کردند. اگر نمی‌توانیم تصور درستی از مبنای حرکت امام زمان (عج) داشته باشیم لااقل چگونگی تصرف امام خمینی «رضوان‌الله‌علیه» در

<sup>۶</sup> (۱) - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸.

<sup>۷</sup> (۱) - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶ ..

جهان را درست بنگریم تا با مبنای حرکت حضرت صاحب الامر (عج) آشنا شویم، زیرا همان طور که ملاحظه کردید حضرت روح الله «رضوان الله علیه» فرمودند:

«انقلاب ما شروع انقلاب جهانی حضرت است و ما از اصول خودمان که مقابله با مستکبران جهان و دفاع از مستضعفان است، یک لحظه فرو نمی نشینیم».

اگر لحظه ای از جنگ با جهان کفر غافل شدیم، تمام برکات انتظار از زندگی ما بیرون می رود و اگر برکات ارتباط با نور حضرت مهدی (عج) از جامعه ی شیعه بیرون رفت دیگر دستمان برای ادامه ی حیات خالی خالی خواهد شد و لا محاله به دنیای استکبار پناهنده می شویم، چیزی که در اعمال و رفتار بسیاری از سیاسیون ملاحظه کردید که ابتدا ارتباط خود با عالم ملکوت را به جهت غفلت از انتظار فرج ترک کردند و سپس قبله ی خود را «لوس آنجلس» قرار دادند.

منتظر واقعی به کمک نور مهدی (عج) و بدون ترک ملکوت، به تصرف در عالم ناسوت می پردازد و به هدم کلی فرهنگ ظلمانی آخرالزمان می اندیشد همان چیزی که حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» در توصیه ی خود متذکر شدند که:

«باید یک لحظه از ایجاد حکومت جهانی اسلام منصرف نشویم».

این پیشنهاد، کمک می کند تا در فرهنگ انتظار بمانیم و رشد کنیم و بفهمیم باقی ماندن بر عهد امام خمینی «رضوان الله علیه» با فاصله گرفتن از ظلمت آخرالزمان ممکن است و رسیدن به معرفت به مقام امام، باقی ماندن بر عهدی است که به برکات نهایی زندگی با امام زمان (عج) می انجامد.

کسی که با ظلمات آخرالزمان سر جنگ ندارد، هرگز زمینه ای برای فتوح آخرالزمان فراهم نمی کند.

وشنفکران سیاسی با طرح «پلورالیسم دینی» خواستند چنین القاء کنند که همه ی ادیان موجود حق اند، تا جایی برای فرهنگ انتظار - که در صدد عبور از فرهنگ مدرنیته است - باقی نماند.

بدون ظهور حضرت بقیة الله (عج) بشر قادر نخواهد بود که نه در ظاهر و نه در باطن و نه در اول و نه در آخر عالم تصرف کند، تنها در انتظار چنین شرایطی است که در زمان غیبت نیز می توان عملی انجام داد و ولایت فقیه را مقدمه برای تحقق آن آرمان به حساب آورد. رهایی بشر از دست خود با ظهور حضرت و با طلب و تمنای



همگانی نسبت به آن ظهور به انجام می‌رسد. در آن صورت است که همه چیز به اصل خود برمی‌گردد، این طور نیست که تصور شود بدون حضور حضرت می‌توان به نتایج اصلی رسید. با توجه به این امر باید آرزوی همه‌ی انسان‌ها ظهور وجود مقدس حضرت باشد، چیزی که در حضرت روح الله «رضوان‌الله‌علیه» ملاحظه کردید. حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌علیه» با آن همه همّت و اراده زمینه را آماده کردند تا کسی ظهور کند که صاحب هستی است و می‌تواند در هستی تصرف بکند.

### جلسه‌ی سوم: بصیرت و انتظار فرج

خاتم ولایت همه‌ی آن‌چه را که بشر برای ولی‌الله شدن نیاز دارد در وجود خود متجلی ساخته و همه‌ی ابعاد باطنی انسان را از بیگانگی به یگانگی می‌کشاند.

همان طور که نتیجه‌ی کار تمام انبیاء به صورت کامل در مقام خاتم نبوت جلوه کرده و همه‌ی آن‌چه بشر در رابطه با نبوت نیاز دارد در خاتم نبوت موجود است، تمام آن‌چه انسان برای ولی‌الله شدن نیاز دارد در وجود مبارک خاتم ولایت متجلی است.

خداوند طوری دنیا را ساخت تا مسلمانان در چشمه‌ی ولایت ائمه‌ی هدی (ع) به مقام ولی‌الهی برسند و از اولیاءالله شوند، ولی آن طور که شایسته بود به امامان نظر نکردند و اهدافی که خداوند برای مسلمانان در نظر گرفته بود برای آن‌ها بی‌وجه شد. انسان بی‌امام به چیز دیگری دل می‌بندد که نیاز اصلی او نیست و نمی‌فهمد آن‌چه نزد ائمه (ع) است همه‌ی آن چیزی است که نیاز دارد.

انسان خلق شده است تا به مقام قرب الهی برسد و ولی‌الله شود. تا در ابدیت خود مسیر «أَلَيْهِ رَاجِعُونَ» را به راحتی طی کند. در قرآن به انسان خطاب شده «إِنَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لِأَخْوَفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۷</sup> بدانید اولیاء الهی را نه خوف از آینده تهدید می‌کند و نه غم برای گذشته.

مقام انتظار مقامی است که انسان می‌فهمد بدون ولایت اولیاء چه اندازه از حقیقت دور است و چگونه از مسیر انس با عالم غیب بیرون است و با ظهور ولایت حضرت بقیه‌الله (عج) به چه درجاتی می‌رسد.

کسی که معنی ولایت انسان معصوم (ع) را می‌شناسد در فهم و تحلیل مشکلات دارای تحلیلی قدسی است و به زوایایی از عالم آگاهی دارد که بقیه‌ی انسان‌ها به آن زوایا آگاهی ندارند و در نتیجه‌ی آن آگاهی از نقطه‌های

<sup>۷</sup> (۲) - سوره‌ی یونس آیه‌ی ۶۲ ..

ساکت و سطور نانوشته‌ی عالم خبر می‌دهد. نه تنها خلأ عدم حضور امام را به‌خوبی احساس می‌کند و در آتش فراق می‌سوزد بلکه به‌خوبی متوجه است که ریشه‌ی مشکلات به‌جهت غیبت امام است و مواظب است علّت‌های فرعی توجه به علّت اصلی را در حجاب نبرد.

عده‌گاه مؤمنین صاحب بصیرت، در سیر باطنی و جهان درون، قلب امام زمان (عج) می‌باشد و در جهان بیرون و سیر آفاقی، نظردوختن به ظهور مبارک آن حضرت. مؤمنین صاحب بصیرت فقط به این دو وعده دل خوشند و به این دو وعده نظر دارند. تا از یک طرف در باطن خود بتوانند با جانِ جان عالم مانوس باشند و از طرف دیگر امیدوارند تا هر لحظه در آفاق عالم، خورشید وجود او طلوع نماید و سراسر عالم الهی شود. آن زمانی که امام زمان (عج) در عالم ظهورکنند همه‌ی آرزوهای متعالی بشر به فعلیت می‌رسد و لذا همه‌ی دل‌های آگاه به‌حقیقت به آن زمان نظر دوخته‌اند. در روایت از حضرت صادق (ع) داریم:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

چون قائم قیام کند هیچ زمینی نمی‌ماند مگر آن‌که صدای شهادت به یگانگی خدا و رسالت رسول خدا (ص) از آن بلند است.<sup>۸</sup>

عرض شد در مقام انتظار دو وجه باید مدنظر باشد یکی ایمان به ولایت الهی از طریق امام عصر (عج) و بهره‌مندشدن از برکات نظر مبارک آن حضرت بر فرد و جامعه، و دیگر شناخت ظلمات آخرالزمان و شناخت ریشه‌ی اصلی ناکامی‌هایی که در اثر عدم حاکمیت امام معصوم در هر جامعه‌ای ظهور می‌کند. اگر جامعه‌ای گرفتار انواع انحراف‌ها و شهوت‌پرستی‌ها و مُدپرستی‌ها شد، اگر تبلیغات و حیل‌های معاویه مؤثر افتاد، اگر اسیر تبلیغات فرهنگ مدرنیته شدیم، همه به‌جهت آن بود که معنی حاکمیت امام معصوم را نفهمیدیم. بشر نفهمید باید چشمش به‌کجا باشد و عملاً چشمش را به هر اندیشه‌ی آلوده انداخت و با چشم آلوده نتوانست متوجه‌ی نوری شود که خداوند برای او گذارده بود.

### جلسه‌ی چهارم: فرهنگ انتظار؛ حضور در تاریخ توحیدی

علت تنهایی و ناهزبانی خود را باید در گسستگی تاریخی جستجو کرد. ما در شرایطی هستیم که نمی‌دانیم «تاریخ پیوسته» یعنی چه، تا نسبت به آن حساس شویم و گسستگی تاریخی امروزمان را درست ریشه‌یابی

<sup>۸</sup> (۱) - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰ ..

کنیم. چیزی که بنده در صدد بیان آن هستم برکات حضور در «زمان پیوسته» است، و این که رمز و راز نجات ملت‌ها در شرایط جدید، حضور در زمان پیوسته‌ی خودشان می‌باشد. این همان چیزی است که خرس با این که از زندگی مدرن دل‌زده شد، ولی نتوانست آن را بیابد. مدرنیته تاریخ همه‌ی اقوام را با تاریخ غربی می‌سنجد و همه‌ی ملت‌ها را از گردونه‌ی تاریخ خودشان بیرون می‌کند و آن‌ها را گرفتار زمان گسسته می‌نماید و در نتیجه ملت‌ها راهی جز ادامه‌ی زندگی مدرن نمی‌شناسند و اشکال اساسی وقتی به وجود می‌آید که طراحی تاریخ را به عهده‌ی غرب بگذاریم تا ما را از تاریخ خودمان بیرون بیندازد.

از آن جایی که خداوند کمال مطلق و جامع جمیع کمالات است، اولین مخلوق او، مخلوقی است که در عین مخلوقیت، جامع همه‌ی کمالات و اسماء الهی می‌باشد و لذا اولین صادره از خداوند نمی‌شود ملائکه باشند،

چون هرکدام از آن‌ها مظهر اسمی از اسماء الهی اند.<sup>۹</sup> پس اولین صادره از خداوند باید انسانی کامل باشد که همه‌ی کمالات الهی را به نحو جامع داشته باشد و معنی واسطه‌ی فیض بودن ذات مقدس امام عصر (عج) به همین معنی است و در راستای همین قاعده است که رسول خدا (ص) فرمودند:

«أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي»<sup>۱۰</sup>

اولین چیزی که خداوند خلق کرد، نور من بود.

خدا عین کمال است یعنی عین حی و قیوم و سمیع و بصیر و ... است. از عین کمال هرگز نمی‌شود موجودی صادر بشود که پرتو همه‌ی کمالات او نباشد، همان‌طور که از نور بی‌رنگ، نور بی‌رنگ صادر می‌شود.

وقتی متوجه شدیم از خدایی که جامع کمالات است محال است مستقیماً ملائکه صادر شوند پس حتماً اولین مخلوق او جامع کمالات است، ولی مخلوق است. تنها موجودی که ظرفیت جامعیت کمالات را دارد انسان است و به عبارت دیگر همان مخلوق جامع به صورت انسان خلق شده است، لذا قرآن فرمود: «وَعَلَّمَ

آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ...»<sup>۱۱</sup> و خداوند همه‌ی اسماء را به آدم آموخت پس حتماً اولین مخلوق انسان است.

فرمایش پیامبر (ص) که فرمودند:

<sup>۹</sup> (۱) - ملائکه می‌گویند: «وَ مَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ» E هیچ‌کدام از ما نیستیم مگر در مقامی معلوم و محدود. (سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۶۴).

<sup>۱۰</sup> (۲) - بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۷ ..

<sup>۱۱</sup> (۱) - سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۱.

«أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي»<sup>۱۲</sup>

اولین چیزی که خداوند خلق کرد، نور من بود، نظر به حقایقی دارد که انسان با برهان و اندیشه می تواند متوجه حقایق آن‌ها شود. در رابطه با اولین مخلوق بودن انسان کامل، رسول خدا (ص) فرمودند: «

كُنْتُ نَبِيًّا وَ أَدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ»<sup>۱۳</sup>

من نبی بودم و آدم هنوز به دنیا نیامده بود و بین آب و گل بود. این همان نور محمدی (ص) است که مقدم بر جسم حضرت خلق شده است. آری آن حقیقت؛

در ولی از سرّ حق آگاه کرد

در نبی آمد بیان راه کرد

یک حقیقت است که در مظاهر متفاوت ظاهر می شود و در همین رابطه امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند

: «كُنْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدٌ نُورًا وَاحِدًا مِنْ نُورِ اللَّهِ (عزل و جل)»<sup>۱۴</sup>

من و محمد نور واحدی بودیم از نور خدا.

بعد از مقدمه‌ی فوق باید عرض کنم؛ در راستای طرح صحیح اندیشه‌ی مهدویت، جهت عبور از ظلمات دوران آخرالزمان، باید یک «لا» و یک «إِلَّا» در دستور کار قرار گیرد.

برای تحقق زمینه‌ی «لا» توجه به چند نکته ضرورت دارد:

الف) نفی حاکمیت طاغوت که حاکمیت آن موجب سرکوبی استعدادهای اصیل بشریت می شود، استعدادهایی که باید شکوفا گردند تا انسان‌ها احساس به‌ثمر رسیدن بکنند.<sup>۱۵</sup> آنچنان با حضور انسان کامل استعدادها شکوفا می شود

<sup>۱۲</sup> (۲) - بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۷.

<sup>۱۳</sup> (۳) - بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۷.

<sup>۱۴</sup> (۴) - بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۷.

<sup>۱۵</sup> (۲) - جهت تفصیل این موضوع به بحث «عصاره‌ای از فرهنگ مهدویت در ابعاد گوناگون» از کتاب «جایگاه و معنی واسطه فیض» از همین مولف رجوع فرمایید.

ب) در راستای نفی حاکمیت طاغوت برای کامل شدن زمینه‌ی «لا»، باید نفی فرهنگ مدرنیته که همان ظلمات آخرالزمان است، در دستور کار قرار گیرد، تا بتوان از آن فرهنگ با همه‌ی ابعاد تودرتوی آن، عبور کرد و به سوی تمدن اسلامی جهت‌گیری نمود.

برای تحقق زمینه‌ی «إلّا» نیز چند نکته باید مد نظر قرار گیرد:

الف) اعتقاد به حاکمیت خدا از طریق امام معصوم در همه‌ی مناسبات عالم و آدم.

ب) برای ایجاد زمینه‌ی ظهور، اعتقاد به حاکمیت خدا در زمان غیبت از طریق حاکمیت کارشناس کشف حکم خدا در قرآن و روایات، تحت عنوان «ولایت فقیه» ضروری است. تا روشن شود برای دوران عبور از ظلمات باید نظرها به اهدافی ماوراء آن چیزی باشد که فرهنگ ظلمانی مد نظر انسان‌ها قرار داده است.

ج) نظرکردن به تمدن اسلامی که با تحقق انقلاب اسلامی شروع شد، و با ایجاد «دولت اسلامی» و سپس «کشور اسلامی»، زمینه برای پدیدآمدن تمدن اسلامی فراهم می‌شود.

با فهم معنی نظام **بقیة الله** روشن می‌شود چرا مقصد همه‌ی انبیاء و اولیاء تحقق حاکمیت حضرت مهدی (عج) است. زیرا تا کسی «زمان باقی» را درک نکند نمی‌تواند **بقیة الله** را درک کند.

فهم عالم **«بقیة الله»** کار ساده‌ای نیست. آن نظام، نظامی است که قدرت «زمان» در آن ضعیف می‌شود. زمان یعنی گذران و فنا، در حالی که نظام **بقیة الله**، نظام بقاء الهی است.

انقلاب اسلامی، بستر ظهور اسم جامع «الله» است<sup>۱۶</sup> متنها در موطن نازله‌ی آن، ولی انقلاب مشروطه بستر ظهور اسم جامع «الله» نبود، چون در آن انقلاب هنوز برای شاه جایی قائل شده بودند. درست است که دل علمای آن دوران از آن وضع خون بود اما بالأخره انقلاب مشروطه، انقلابی بود که با وجود شاه، حجاب ظهور اسم «الله» می‌شد. در آن شرایط، مجبور بودیم مشروطه را به عنوان مقطعی از تاریخ بپذیریم که محل تجلی همه‌ی اسماء الهی نبود. اگر محل تجلی همه اسماء بود که نمی‌شد شاه به عنوان کسی که باید قوانین را امضاء کند، در صحنه باشد و یا مجلس سنا در میان باشد. ولی انقلاب اسلامی به عنوان یک معنای فکری چیز دیگری است، هیچ مانعی جهت ظهور اسم جامع «الله» در مبانی آن مطرح نیست.

<sup>۱۶</sup> (۱) - امام خمینی می‌فرماید: صبحگاه ۱۲ فروردین که روز نخستن حکومت الله است از بزرگترین اعیاد مذهبی و ملی ماست. صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۵۳ ..

خدا کند ما بتوانیم با همتی که لازمه آن عبادات شرعی و شب‌زنده‌داری است با خلوص تمام وارد فرهنگ نورانی انتظار شویم تا همواره با همه‌ی اولیاء و اصفیای تاریخ زندگی کنیم.

«والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته»